

## الزامات و زمینه های دادرسی مدنی الکترونیک در حقوق ایران و آمریکا

رسول مقصود پور<sup>۱</sup>، سامان متقی شهری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه آزاد واحد تربت حیدریه، ایران

### چکیده

چگونگی دادرسی همواره یکی از مهمترین مسائل در نهاد قضایی به شمار می رود. امروزه با پیشرفت جوامع، دادرسی نیز پیشرفت نموده است و از حالت سنتی خود فاصله زیادی گرفته است. این پژوهش در نظر دارد به بررسی دادگستری الکترونیک در نهاد قضایی بپردازد. دادرسی و رسیدگی به دعاوی و جرایم یکی از ارکان مهم و حاکمیتی در جوامع و شهرهای مرسوم است. به همین لحاظ، ارایه این خدمات به صورت الکترونیک نیز از اهمیت ویژه ای در شهر الکترونیکی برخوردار است. شهروندان شهر الکترونیکی انتظار دارند خدمات قضایی با سرعت و سهولت و با حداقل نیاز به حضور فیزیکی در اختیار ایشان قرار گیرد. توسعه سیستم مدیریت پرونده قضایی یک طرح ملی است که در راستای تحقق این هدف انجام شده است. این سیستم در کنار چالش هایی که با آن مواجه بوده است برخی از خدمات قضایی در مراحل آیین دادرسی مدنی مانند خدمات ثبت و پیگیری دادخواست، ارائه ی مدارک و مستندات پرونده، اطلاع از آخرین وضعیت پرونده و ابلاغ را ارائه می دهد. الکترونیکی شدن دادخواست و همچنین ابلاغ الکترونیک، با رفع ایرادات مربوط به دادرسی سنتی، تأثیراتی مثبت در رفع اطاله دادرسی داشته و تعارضی با اصول اساسی دادرسی مدنی نیز ندارند. علی رغم تمام اقدامات انجام شده فرایند الکترونیکی شدن دادرسی مدنی در کشور ما هنوز مراحل ابتدایی خود را سپری می کند و تا رسیدن به آرمان نهایی خود فاصله زیادی دارد. در سیستم قضایی کشور ایالات متحده ی آمریکا گرچه نظام حقوقی این کشور مبتنی بر نظام کامن لا و مبتنی بر رأی دادگاه و رویه ی قضایی می باشد؛ همچنین قوانین دادرسی این کشور به صورت فدرال بوده و از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت است؛ لکن این کشور از پیشتان بهره گیری از خدمات الکترونیک در امر دادرسی مدنی بوده و از تجربیاتی در این زمینه، بهره مند است. دادگاه الکترونیکی، اسناد الکترونیک، پرونده الکترونیک و شهادت مجازی از مهم ترین حوزه های دادرسی مدنی الکترونیکی در این کشور محسوب می شود. بر این اساس می توان از تجربیات این کشور در عرصه الکترونیکی شدن دادرسی مدنی استفاده نمود.

**واژه های کلیدی:** دادرسی مدنی، رویه ی قضایی، دادگاه الکترونیکی، اصول اساسی دادرسی مدنی، حقوق ایران، حقوق آمریکا

## ۱. مقدمه

چگونگی دادرسی همواره یکی از مهمترین مسائل در نهاد قضایی به شمار می رود. امروزه با پیشرفت جوامع، دادرسی نیز پیشرفت نموده است و از حالت سنتی خود فاصله زیادی گرفته است. این پژوهش در نظر دارد به بررسی دادگستری الکترونیک در نهاد قضایی بپردازد. دادرسی و رسیدگی به دعاوی و جرایم یکی از ارکان مهم و حاکمیتی در جوامع و شهرهای مرسوم است. به همین لحاظ، ارایه این خدمات به صورت الکترونیک نیز از اهمیت ویژه ای در شهر الکترونیکی برخوردار است. عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می شناخته و برای استقرار آن کوشیده است. حقوقدانان همواره در تلاش بوده اند تا با ارائه راهکارهای مناسب به دادرسی سرعت بخشند و اجرای عدالت را در کمترین زمان میسر سازند. در این راستا می توان از دادرسی الکترونیک جهت رفع اطاله دادرسی، تسریع در امور جاری محاکم، افزایش دقت، جلوگیری از سردرگمی اشخاص در پیگیری پرونده ها، جلوگیری از طرح دعاوی تکراری، پیشگیری از وقوع جرم و ... بهره جست. دادرسی الکترونیک فرایندی نوین است که می تواند بسیاری از مشکلات روند دادرسی در نظام حقوقی را برطرف ساخته و کمک بزرگی در جهت تحقق هدف اساسی حقوق، یعنی برقراری عدالت و پاسخ گویی قانونی در کوتاه ترین زمان، باشد. به لطف دادرسی الکترونیک محدودیت های زمانی و مکانی به طرز شگرفی کاهش یافته است. کاهش هزینه های سیستم قضایی، افزایش سرعت انجام کارها، انسجام در مجموعه اطلاعات سیستم قضایی، افزایش امنیت قضایی و اداری از دیگر دستاوردهای دادرسی الکترونیک است.

الکترونیک کردن دادرسی را می توان از دو جنبه نگریست: اینکه بخشی از فرایند مانند ثبت دادخواست، ابلاغ و گزارش پرونده الکترونیک شود. رویکرد دوم آن است که تا حد امکان، بخش های مختلف دادرسی، به ویژه در دعاوی حقوقی به صورت الکترونیک انجام گیرد. در عصر اطلاعات و فناوری، بخصوص استفاده از اینترنت منجر به افزایش رفاه جامعه بشری، صرفه جویی در وقت و هزینه، دست یابی آسان به اطلاعات به طور کلی پیشرفت تکنولوژی در همه ابعاد موجب گردیده که محدودیت های مکانی و زمانی به طور چشمگیری کاهش یابد. از کاربرد این سیستم در امر قضا مدت زمان زیادی نمی گذرد و با این وجود این فناوری در زمینه دادگاهها و دادگستری ها تاثیر بسزایی گذاشته است.

اگر رویکرد دوم اتخاذ شود، مشکلات عدیده ای در عمل پیش می آید که نیاز به بررسی دارد. برای مثال، تشکیل جلسه رسیدگی به صورت الکترونیک، اگرچه از نظر فنی امکان پذیر است، از آن جهت که برای آن باید ابزارهای مختلفی فراهم شود، هزینه زیادی دارد. به همین دلیل، استفاده از این شیوه در دعاوی تجاری الکترونیک که اغلب خواسته آنها بسیار زیاد نیست، به صرفه نیست، زیرا در دعاوی الکترونیک خرد مانند اختلاف میان راننده و مسافر در سامانه اسنپ یا اختلاف بین فروشنده و خریدار در دیجی کالا، اغلب اختلاف از طریق مداخله کارفرما یا مراجعه به دستورالعمل های موجود حل و فصل می شود و طرح دعوا ضرورتی پیدا نمی کند.

چگونگی دادرسی همواره یکی از مهمترین مسائل در نهاد قضایی به شمار می رود. امروزه با پیشرفت جوامع، دادرسی نیز پیشرفت نموده است و از حالت سنتی خود فاصله زیادی گرفته است. این پژوهش در نظر دارد به بررسی دادگستری الکترونیک در نهاد قضایی بپردازد. با توجه به قلت منابع در بحث دادگستری الکترونیک یا دادگستری الکترونیک پس از بررسی ابعاد موضوع این نتیجه حاصل گردید که در نهاد قضایی ایران علیرغم تلاشهای انجام گرفته دادرسی هنوز هم به شکل سنتی خود ادامه حیات میدهد و آن چنان که باید و شاید به این مهم (الکترونیک شدن دادرسی) نرسیده ایم. در باب مفهوم این نهاد باید گفت هنوز تعریف کاملی از این نهاد نشده است ولی بکارگیری وسایل الکترونیک در دادرسی به نوعی به مفهوم این نهاد موضوعیت می بخشد تا در جهت پیش رفت جوامع عمل نماییم. در باب فواید و چالشها هم باید گفت که کاهش وقت دادرسی و عدم وجود زیر ساخت لازم از جمله فواید و چالشهای بزرگ این نهاد است من جمله اینکه هنوز در حوزه زیر ساختها آن چنان که باید شاید به مهم توجه نشده است و باز نیز در این راستا دارای مشکلات عدیده می باشیم.

## ۲- مفهوم شناسی

## ۱-۲ دادرسی الکترونیکی حقوقی

ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از رایانه در رسیدگی به دعاوی موجب تسریع این امر و در نتیجه کاهش اطاله ی دادرسی می شود. الکترونیکی شدن مراحل دادرسی موجب شکل گیری سوالات و ابهاماتی از جمله شرایط تشکیل جلسه ی دادرسی، چگونگی انجام هر کدام از مراحل دادرسی به شکل الکترونیکی با رعایت اصول دادرسی می شود و اینکه ایران در روند الکترونیکی کردن مراحل دادرسی چه مسیری را تاکنون طی کرده است؟ ما در این تحقیق کلیات دادرسی الکترونیکی از جمله مفهوم، پیشینه و ویژگیهای دادرسی الکترونیکی را بررسی می کنیم و همچنین زیرساخت های حقوقی و فنی لازم برای شکل گیری جلسه ی دادرسی الکترونیکی و همچنین انواع ادله ی الکترونیکی و چگونگی ارائه ی انواع ادله در دادگاه الکترونیکی بررسی می شود. روند الکترونیکی کردن مراحل دادرسی، از اوایل دهه هشتاد شمسی شروع شد که نتیجه ی آن راه اندازی سامانه ی عدل ایران است که نرم افزارهای مختلفی را در بر می گیرد که مهم ترین آن سیستم مدیریت پرونده ی قضایی است که از طریق آن، علاوه بر مکانیزه شدن امور اداری دستگاه قضایی، برخی خدمات قضایی از قبیل ارائه دادخواست، پیگیری پرونده و ابلاغ نیز به صورت الکترونیکی و اینترنتی به مردم ارائه می شود. اما با وجود اینکه جلسه ی دادرسی یکی از مهمترین مراحل دادرسی است، در این مطالعات و کارهای انجام شده جایگاه مناسبی پیدا نکرده است. و هنوز قانونی درباره ی شکل گیری جلسه ی دادرسی دعاوی حقوقی به شکل کاملاً الکترونیکی با همه ی شرایط و ضوابط آن تدوین و مورد اجرا قرار نگرفته است. البته قانون تجارت الکترونیک داده پیام، امضا الکترونیکی، ابلاغ الکترونیکی و اسناد الکترونیکی را به رسمیت شناخته و کمک شایانی در این زمینه کرده است (افخمی، ۱۳۹۱: ۲۱۹).

## ۲-۲ فرایند دادرسی مدنی الکترونیکی

منظور از دادرسی مجازی، الکترونیکی شدن انتقال اطلاعاتی است که در محیط دادگاه وجود دارد و این اطلاعات می تواند شامل ادله، دستورات (قرار یا حکم) دادگاه، تصمیم هیأت منصفه، اقراریه متهم، اظهارات شاهد و ... باشد. به عبارتی دیگر در دنیای امروز به دلیل مطرح شدن بحث مدیریت اطلاعات، مفهوم دادرسی مجازی نیز طرح گردید؛ زیرا در دادرسی مجازی نیز به نوعی (اطلاعات) مورد تبادل در نظام عدالت قضایی، تحت مدیریت قرار می گیرد. البته گاهی اوقات مفهوم دادرسی الکترونیکی از آنچه ذکر شد عام تر می شود؛ مثلاً تأسیس کتابخانه های حقوقی مجازی که به انتشار مقالات و حتی خلاصه آراء می پردازند و به نوعی در نظام کامن لا که مبتنی بر رویه می باشد؛ به امکان دسترسی وکلا و قضات به پرونده ها کمک می کنند، خود نوعی مرتبط با مفهوم دادرسی الکترونیک می باشد که بهتر است عنوان اخیر را بهبود دهنده و ارتقاءدهنده مفهوم دادرسی الکترونیک بدانیم و نه جزئی از آن. (مهر افشان، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱)

در جوامع مدنی، مراجعه به دادگستری و احقاق حق، یکی از حقوق اولیه و مسلم شهروندان به شمار می رود. تا قبل از پیدایش رایانه، نرم افزار و به ویژه ظهور و گسترش شاهراه های اطلاعاتی یا اینترنت، مراجعه ی حضوری اصحاب دعوی و استفاده از قالب های کاغذی، برای هر نوع دادرسی ضروری و اجتناب ناپذیر بود. با توسعه ی ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی، لزوم حضور اصحاب دعوی و استفاده از کاغذ در فرایند دادرسی کاهش یافته است. بیش از یک دهه است که کشورهای پیشرفته برای الکترونیکی شدن روند دادرسی ها تلاش می کنند و درصدد هستند تا روند دادرسی از راه دور و با بهره گیری از روش های الکترونیکی صورت گیرد. حقوق دنباله روی تحولات اجتماعی است و غایت وجودی آن، قانونمند ساختن روابط ناشی از آن می باشد. همگام با پیشرفت های جامعه ی بشری در دهه های اخیر، مفهومی به نام دولت الکترونیک شکل گرفت و مدل ارائه ی خدمات عمومی را دگرگون ساخت. ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات عرصه ی حقوق را متأثر کرده و مسائل نوین حقوقی را ایجاد نموده است. در این میان دادرسی الکترونیک خصوصاً ابلاغ الکترونیکی و به طور کلی هر مفهوم جدیدی که به آن کمک نماید، عدالت قضایی در هر جامعه یک آرمان می باشد که افراد آن جامعه، همواره در راه استفاده از روشهایی هستند که به این هدف دست یابند. در این میان دادرسی الکترونیک و هر مفهوم جدیدی که به آن کمک نماید، می تواند مطلوب باشد. در این

مقاله سعی بر آنست تا با تشریح معنای دادرسی الکترونیک در سه عنوان کلیات، حوزه های آن و در نهایت معایب و مزایا، راه برای طرح آن توسط سایر نویسندگان باز شود.

در ایالات متحده آمریکا، تدابیری برای برگزاری برخط (آن لاین) جلسات دادرسی، مبادله اینترنتی لوایح، ابلاغ از طریق نامه الکترونیکی، اینترنتی کردن جلسات دادرسی تا حد امکان و مواجهه دیداری - شنیداری شهود و مطلعان از طریق شبکه داخلی دادگستری یا اینترنت، اندیشیده شده است.

قاعده ۲۶ از قواعد آ.د.م ایالات متحده، بر ضرورت ابراز ادله، مدارک و داده پیام های الکترونیکی از سوی طرفین دعوا تأکید کرده و برای آن مهلت ۱۴ روزه ای را بعد از دستور دادگاه برای برگزاری نشست مشترک که اغلب ۱۲۰ روز پس از ثبت درخواست رسیدگی تعیین می شود، مقرر کرده است. به علاوه، قواعد ۱۲ و ۵۶ همین کشور به نحوه ارزیابی با مدارک الکترونیکی ارتباط دارد. بنابراین می توان قبول اسناد و مدارک الکترونیکی را به عنوان دلیل در محاکم کامن لا به وضوح مشاهده کرد. (بیداروند و قاسمی، ۱۳۹۴: ۷۸).

دادگاه الکترونیک وابسته به دادگاه فدرال آمریکا، روز جمعه ۲۳ فوریه سال ۲۰۰۱ میلادی برای نخستین بار فعالیت خود را آغاز کرد و هم اکنون پس از گذشت هفت سال همچنان به فعالیت خود ادامه می دهد. در طول این دوره دادرسی به دادگاه الکترونیک به دو طرف و نمایندگان شان محدود شده است. تجدید نظر بر تنظیمات فنی و پروتکل دادگاه الکترونیک با استفاده از دادگاهروی شبکه و با راهنمایی ها و دیگر نتایجی که از دادگاه به دست می آید، صورت می گیرد. پروژه دادگستری الکترونیکی از مارس ۲۰۰۴ آغاز به کار کرد تا از این طریق، سندیت بیشتری به دادگاه های الکترونیک بخشیده شود. این طرح سه هدف اصلی را دنبال می کرد که این اهداف شامل پیشرفت و به روز کردن ائتلاف های مختلف و تامین فناوری ها، متقاعد کردن جامعه مدنی برای پذیرفتن این فناوری ها و متقاعد کردن حکومت و قبول نتایج حاصل از دادگستریا لکترونیک می شد. در حقوق آمریکا، قواعد متعددی به نقش ارتباطات الکترونیکی در دادرسی مدنی پرداخته اند؛ از جمله قاعده ۵ که به «مدارک دادگاه» اختصاص دارد، در بندهای مختلف نحوه تهیه، امضا، تحویل، ابلاغ، بایگانی و ارسال مدارک را به شیوه الکترونیکی مدنظر قرار داده است. علاوه بر آن، نحوه تعامل از طریق نامه الکترونیکی در قواعد مختلف از جمله قاعده (۱)(۲) و ۶ و (۷)(۲) ۶ مطرح شده است.

فرایند دادرسی مدنی الکترونیکی، به لحاظ اصول و قواعد حاکم، با دادرسی مرسوم تفاوتی ندارد؛ در عین حال، مقتضیات جدیدی که تغییر شیوه دادرسی ایجاب می کند، ما را بر آن می دارد که فرایند این دادرسی را از ابتدا تا انتها مرور کنیم و اوصاف آن را بشناسیم.

تقدیم الکترونیکی دادخواست، ثبت و بایگانی الکترونیکی دادخواست / پرونده، رسیدگی و استماع الکترونیکی، صدور و ابلاغ الکترونیکی رأی، شکایت الکترونیکی و نقش سازوکار الکترونیکی در مرحله اجرای رأی، از جمله مواردی هستند که در فرایند دادرسی مدنی الکترونیکی از آغاز تا پایان روی می دهند. این موضوعات به ترتیب بررسی می شود.

### ۳-۲ تقدیم الکترونیکی دادخواست

در راستای اجرای بند ۶ سیاست های کلی قضایی پنج ساله ابلاغی سال ۸۸ و بند ج ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه کشور و تبصره بند ج ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۹۰ و با توجه به ماده ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری، آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای و مخابراتی توسط قوه قضاییه در سال ۹۵ تهیه شد. ابلاغ الکترونیکی مزایا و معایبی دارد؛ از جمله مزایا می توان به کم شدن نقش نیروی انسانی، جلوگیری از اطاله دادرسی، صرفه جویی در هزینه دادرسی، حفظ حریم خصوصی و آبروی فرد و غیره اشاره کرد و از جمله معایب آن می توان دوگانگی ابلاغ برخی از اوراق قضایی به شکل واقعی و قضایی، مشکلات ناشی از ابلاغ های نیمه الکترونیک، افراد ثبت نام نشده، عدم ثبت نام اتباع غیر ایرانی، از طرفی طرح دادخواست به صورت الکترونیک، مطابق با قانون آیین دادرسی مدنی نمی باشد. لذا نفی یا پذیرش مطلق ابلاغ الکترونیک بدون در نظر گرفتن معایب و مزایای آن، مطلوب به نظر نمی رسد؛ ضمن آنکه شرایط بومی و قوانین داخلی

کشور را نیز باید در نظر گرفت لذا خدمات قضایی الکترونیک با وجود شباهت به خدمات قضایی سنتی تفاوت هایی نیز با آن دارد و لازمه آن زیر ساخت های اجرایی و تدوین قوانین متناسب می باشد.

به موجب ماده ۷ آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی (شماره ۱۰۰/۲۹۸۴۹/۹۰۰۰) ۱۳۹۵-۲۴/۰۵/۲۴ رئیس قوه قضاییه در خصوص نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی، «چگونگی طرح شکایت و دعوا از طریق الکترونیکی براساس آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی است». مطابق با ماده ۱ آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی (مصوبه شماره ۱۰۰/۱۱۸/۹۰۰۰ مورخ ۲۲/۰۳/۱۳۹۱ رئیس قوه قضاییه)، «اشخاص حقیقی یا حقوقی جهت طرح و پیگیری دعاوی و شکایات و سایر امور قضایی، از طریق

«دفاتر خدمات قضایی» یا «درگاه خدمات قضایی» و با استفاده از سامانه های الکترونیکی و مخابراتی اقدام نمایند».

بنابر ماده ۴ آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی، «در روش اقدام از طریق درگاه، خواهان یا شاکی دادخواست یا درخواست یا شکایت خود را به همراه مستندات مربوطه، به صورت سند الکترونیکی تبدیل نموده و پس از محاسبه هزینه دادرسی توسط سامانه و پرداخت الکترونیک آن، کد رهگیری را اخذ و با همراه داشتن اصل مستندات، به دفتر خدمات قضایی مراجعه می نماید. دفتر خدمات قضایی پس از تأیید مطابقت اسناد الکترونیکی تهیه شده با اوراق ابرازی از سوی متقاضی، آن را از طریق سامانه خدمات قضایی به مرجع ذی ربط ارسال می نماید».

پیش شرط اقدام دادخواست دهنده برای ثبت الکترونیکی آن، احراز هویت و ثبت نام در سامانه ثنا (سامانه ثبت نام الکترونیکی) است. به موجب ماده ۱۰ آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی، «تأیید و نهایی شدن ثبت نام، نیازمند احراز هویت است. احراز هویت می تواند از طریق دفاتر خدمات الکترونیکی قضایی یا روش های مطمئن دیگر، صورت گیرد». سامانه ثنا، سامانه ای الکترونیکی برای ثبت نام الکترونیکی و دریافت حساب کاربری است که خود لازمه ابلاغ الکترونیکی و اطلاع اصحاب دعوا و سایر اشخاص مرتبط با دعوا (از جمله وکلا و کارشناسان، وثیقه گذار، کفیل، شاهد و داور) از جریان دعوا، محسوب می شود.

در شیوه تقدیم الکترونیکی دادخواست، این عمل از طریق «دفاتر خدمات قضایی» یا «درگاه خدمات قضایی» و با استفاده از سامانه های الکترونیکی و مخابراتی انجام می گیرد (ماده آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی) و یک شماره الکترونیکی و منحصر به فرد به هر پرونده اختصاص می یابد که با داشتن آن و رمز پرونده، می توان اقدامات انجام گرفته در هر پرونده را از طریق اینترنت و مراجعه به تارنمای مربوط ([www.adliran.ir](http://www.adliran.ir)) پیگیری کرد. به موجب ماده ۵ آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی، «در روش اقدام از طریق (دفاتر خدمات قضایی)، خواهان یا شاکی دادخواست یا درخواست یا شکایت خود را به همراه مستندات آن به دفتر خدمات قضایی تحویل می دهد. دفتر مذکور پس از احراز هویت و محاسبه هزینه دادرسی از طریق سامانه و پرداخت الکترونیک آن، اسناد یادشده را به سند الکترونیکی تبدیل کرده و به رؤیت متقاضی می رساند و پس از تأیید مطابقت اسناد الکترونیکی تهیه شده با اوراق ابرازی از سوی وی، آن را از طریق سامانه خدمات قضایی به مرجع ذی ربط ارسال می نماید».

به علاوه، امکان ارجاع پرونده به شکل الکترونیکی وجود دارد. به موجب ماده ۸ آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی، «مقام ارجاع، شکایت یا دادخواست ثبت شده را با رعایت تخصص و ترتیب وصول، فوراً از طریق سمپ (سامانه مدیریت پرونده قضایی) به یکی از شعب ارجاع می دهد. پس از ارجاع پرونده، شماره یکتای کشوری، ردیف فرعی، شماره بایگانی و رمز پرونده، توسط سمپ ارائه خواهد شد که باید از طریق ابزارهای الکترونیکی مانند پیامک یا پست الکترونیکی در اختیار تقدیم کننده دادخواست یا شکایت قرار گیرد» (افتخارجهمی و السان، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۲).

#### ۴-۲ الکترونیکی کردن فرایند بایگانی

الکترونیکی کردن فرایند بایگانی بدین معناست که می توان، حتی در مورد اسنادی که به صورت کاغذی و کاملاً در محیط سنتی تهیه می شوند، قسمتی از فرایند تنظیم سند یا اقدامات پس از تنظیم آن را به شیوه الکترونیکی انجام داد. برای مثال

می توان از مدارک کاغذی همچون شناسنامه ، فیش های بانکی ، وکالتنامه و...، روگرفت الکترونیکی تهیه کرده و پس از ثبت کاغذی سند، نسخه ای از آن و مدارک الکترونیکی را به صورت الکترونیکی بایگانی کرد. حداقل تأثیر بهره گرفتن از این شیوه ، کاهش هزینه های پولی و زمانی است ، چراکه هزینه هایی همچون کپی ، رفت و آمد، بایگانی و... حسب مورد به اصحاب دعوا و نظام دادرسی تحمیل نمی شود.

برخی از مزایای بایگانی الکترونیکی بدین شرح است :

۱. دسترسی به محتوای آنچه بایگانی شده و درج یا حذف هرگونه مطلبی از سوی کارمند یا شخص مجاز در آن ، تنها با ارائه پاره ای اطلاعات بیومتریک یا رمز ورود و به طور کلی با دسترسی به سامانه امکان پذیر است ؛ همین امر از نفوذ و ورود اشخاص بدون مجوز پیشگیری می کند.

۲. بایگانی الکترونیکی باید به گونه ای طراحی شود که افزودن یا کاستن از مندرجات آن پس از بایگانی ، از سوی شخص دارای مجوز یا هر شخص دیگری قابل تشخیص باشد.

۳. باید امکان ورود، مشاهده ، چاپ یا روگرفت الکترونیکی محتوای بایگانی الکترونیکی از سوی شخص دارای مجوز، وجود داشته باشد.

۴. اطلاعات بایگانی الکترونیکی باید دارای نسخه پشتیبان باشد تا در صورت از بین رفتن یا نقص داده های اصلی به آن مراجعه شود.

۵. باید امکان عکس گرفتن از امضای دستی یا اثرانگشت شخص یا سایر

شناسه های زیستی و ذخیره آن به همان شکل واقعی ، وجود داشته باشد.

۶. بایگانی الکترونیکی باید به گونه ای باشد که بتوان در صورت لزوم ، نسخه کاغذی یا الکترونیکی از تمام یا قسمتی از داده های بایگانی شده ، امضاها و علائم بیومتریک تهیه کرد.

امکان استفاده از شناسه های زیستی (مانند علائم ژنتیکی ، دی.ان.ای و...) به جای امضای دستی یا مهر جوهری شخص در بایگانی الکترونیکی وجود دارد. در هر حال ، این شناسه ها باید به نحوی بایگانی شده باشند که بتوان از طریق آنها تشخیص هویت کرد. در عمل ، در بایگانی الکترونیکی از اثرانگشت الکترونیکی و/یا رمز ورود به دلیل ارزان بودن تهیه و ذخیره ، کم حجم بودن ، کاربرد زیاد آن در روابط تجاری و شناسایی آن در قوانین و مقررات و نیز قابلیت تهیه نسخه کاغذی از آن ، بهره می گیرند. همچنین بی همتا بودن اثر انگشت هر شخص نسبت به دیگران، سبب می شود تا بتوان برای تشخیص هویت وی در تمام نقاط دنیا بدان استناد کرد.

بنابراین ، الکترونیکی کردن فرایند بایگانی ، در صورتی که قواعد بنیادین مربوط مراعات شود، با هیچ مانعی روبه رو نیست . بدیهی است که لازمه صحت این فرایند، انجام آن زیر نظر متخصصان بایگانی و مشروط به استفاده از متخصصان فناوری اطلاعات و رایانه به عنوان همکار است .

## ۵-۲ ادله الکترونیکی

قانون مدنی در ماده ۱۲۵۸ اسناد کتبی را به عنوان یکی از ادله ی اثبات دعوا برشمرده و متعاقب آن در ماده ۱۲۸۴ در تعریف سند چنین مقرر داشته است: «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد.» تعریف ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی از جمله گویای این است که سند باید صورت مادی و تجسم بیرونی داشته باشد. اما گرایش روزافزون به بهره گیری از وسایل الکترونیک، و همچنین میل گسترده به استفاده از انعقاد قرارداد به شکل الکترونیک نهایتاً دولت ها را وادار نموده تا از جمله، جنبه ی حقوقی آن ها را مورد توجه قرارداده و به وضع قوانین مناسب، در این زمینه بپردازند. در کشور ما نیز وضع قانون تجارت الکترونیک ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ را، می توان گامی مهم و موثر در این زمینه به شمار آورد. علی رغم وضع قانون تجارت الکترونیک ایران، وضعیت قراردادهای الکترونیک و به تبع آن دلایل الکترونیک خصوصاً اسناد الکترونیک در هاله ای از ابهام قرار دارد و همین امر، امکان دادرسی صحیح و عادلانه را با مشکلات عدیده ای مواجه ساخته است. محور اصلی رساله ی حاضر بررسی اسناد الکترونیک بعنوان شکل جدیدی از اسناد موضوع ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی است. در این تحقیق به این مهم

پرداخته می‌شود که؛ اگر چه قانون مدنی در تعریف سند به صراحت از لفظ «نوشته» استفاده کرده است، اما مقایسه اسناد سنتی و اسناد الکترونیک این امر را روشن می‌سازد که مطابق نظریه‌ی معادله‌های کارکردی، هر آنچه را که بتوان بعنوان کارکرد اسناد سنتی در نظر گرفت، دقیقاً و یا حتی به شکلی بهتر از آن، اسناد الکترونیک تأمین می‌نمایند و همانند سایر دلایل از قابلیت استناد برخوردار بوده و طرفین می‌توانند با ادعای جعل و یا انکار و تردید به اصالت این اسناد تعرض نمایند. (بنایی، ۱۳۹۱: ۴۵).

رسیدگی به دعاوی در فضای مجازی، مستلزم فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم برای آن است. این زیرساخت‌ها، دادرسی عادلانه را تضمین می‌کنند و نشان می‌دهند که شرایط و زمینه‌های عملی برای رعایت تساوی میان اصحاب دعوا فراهم است.

قانون تجارت الکترونیک ایران شکل‌گیری هر نوع دلیل را در قالب داده پیام پذیرفته است. بدین بیان، سند، شهادت، اقرار و سوگند به صورت الکترونیک نیز قابل تحقق هستند. با وجود این، امکان تحقق دلایل به شکل الکترونیک، جدا از موضوع ارایه آن‌ها به دادگاه است. سند الکترونیک را می‌توان با استفاده از سخت افزارهای نگهدارنده اطلاعات به دادگاه ارایه کرد. شهادت حتماً باید با حضور فیزیکی گواه در دادگاه و ادای گواهی او باشد؛ لذا شهادت ضبط شده در چنین ابزاری تنها ارزشی همچون اماره می‌تواند داشته باشد. اقرار نیز چنانچه با استفاده از وسایل الکترونیک و به صورت «برخط» به دادگاه ارایه گردد، به نظر می‌رسد بتوان آن را اقرار در دادگاه به شمار آورد.

تشکیل جلسه به صورت الکترونیکی، از جمله نیازمند ابلاغ صحیح به همه اصحاب دعواست. در صورتی که طرفین به حکم قانون (که نیازمند وضع قانون است) یا با توافق، ابلاغ الکترونیکی را پذیرفته و نوع ابلاغ را مشخص کرده باشند، در آن صورت ابلاغ به شیوه مذکور (برای مثال، ایمیل یا پیامک) اعتبار «قانون» دارد و دادگاه می‌تواند با احراز آن، وارد رسیدگی شود.

در عین حال، رعایت قواعد و تشریفات، برای روند رسیدگی ضروری است. برای مثال، اگر ابلاغ الکترونیکی انجام گرفته باشد، باید حداقل فاصله پنج روز در مورد اشخاص مقیم ایران یا دو ماه (در فرضی که یکی از اصحاب دعوا مقیم خارج باشد) یا یک ماه (در صورت مجهول‌ال‌مکان بودن یکی از خواندگان) به حکم مواد ۶۴ و ۷۳ ق.آ.د.م رعایت شود. برای استماع اسناد و مدارکی که خود قالب الکترونیکی دارند، شیوه الکترونیکی دادرسی مناسب و اغلب کافی است. اما در مورد اسناد کاغذی، از آن جهت که نسخه اسکن شده آنها، در حکم کپی است، در بسیاری از موارد، دادرسی الکترونیکی کافی نخواهد بود. برای مثال، از روی نسخه اسکن شده نمی‌توان اصالت سند کاغذی را احراز کرد یا به تعرض (انکار یا تردید) یا جعلی که مطرح می‌شود، رسیدگی کرد.

این واقعیت‌ها و محدودیت‌ها اثبات می‌کنند که دادرسی الکترونیکی، لزوماً و برای همه فرایند رسیدگی به دعاوی حقوقی کافی نیست. در مرحله‌ی مانند ثبت دادخواست، ابلاغ و بایگانی پرونده می‌توان از این شیوه بهره گرفت، اما در حال حاضر، برگزاری جلسات رسیدگی و استماع ادله به صورت آن لاین با مشکلات و محدودیت‌هایی که آن را در حد غیرممکن دشوار می‌سازد، روبه روست.

در عین حال، رعایت قواعد و تشریفات، برای روند رسیدگی ضروری است. برای مثال، اگر ابلاغ الکترونیکی انجام گرفته باشد، باید حداقل فاصله پنج روز در مورد اشخاص مقیم ایران یا دو ماه (در فرضی که یکی از اصحاب دعوا مقیم خارج باشد) یا یک ماه (در صورت مجهول‌ال‌مکان بودن یکی از خواندگان) به حکم مواد ۶۴ و ۷۳ ق.آ.د.م رعایت شود. برای استماع اسناد و مدارکی که خود قالب الکترونیکی دارند، شیوه الکترونیکی دادرسی مناسب و اغلب کافی است. اما در مورد اسناد کاغذی، از آن جهت که نسخه اسکن شده آنها، در حکم کپی است، در بسیاری از موارد، دادرسی الکترونیکی کافی نخواهد بود. برای مثال، از روی نسخه اسکن شده نمی‌توان اصالت سند کاغذی را احراز کرد یا به تعرض (انکار یا تردید) یا جعلی که مطرح می‌شود، رسیدگی کرد.



این واقعیت ها و محدودیت ها اثبات می کنند که دادرسی الکترونیکی، لزوماً و برای همه فرایند رسیدگی به دعاوی حقوقی کافی نیست. در مرحله‌ی مانند ثبت دادخواست، ابلاغ و بایگانی پرونده می توان از این شیوه بهره گرفت، اما در حال حاضر، برگزاری جلسات رسیدگی و استماع ادله به صورت آن لاین با مشکلات و محدودیت هایی که آن را در حقوق ایران در خصوص ادلیه الکترونیک مقررات چندانی نمیتوان یافت جز مقررات تازه تصویب شده قانون جرائم رایانه ای و قانون تجارت الکترونیک. برخی بر این باورند؛ قانون تجارت الکترونیک بر منع یا امکان بازسازی عملیات قضایی در محیط الکترونیک تصریحی ندارد. تنها مستفاد از ماده ۷ و ۶ این قانون که نوشته و امضای الکترونیک را معادل نوشته و امضای دستی دانسته است میتوان گفت هرکجا که اجرای تشریفات قانونی با مکتوب یا امضا شدن متنی ملازمه داشته باشد، تامین این تشریفات در محیط الکترونیک نیز امکان پذیر است. علاوه بر این ماده ۸ قانون میذکور این گونه مقرر می دارد که «هرگاه قانون الزم بداند که اطلاعات به صورت اصل ارائه یا نگهداری شود این امر با نگهداری و ارائه اطلاعات به صورت داده پیام نیز در صورت وجود شرایط زیر امکان پذیر می باشد...»

از این ماده استفاده میشود که سیستم قضایی میتواند با رعایت شرایط قانونی بایگانی الکترونیک را جانشین بایگانی های کاغذی خود نماید. در خارج از این دو حوزه هرکجا ضوابط قانونی بر لزوم انجام عملیات فیزیکی یا مواجهه حضوری اصحاب دعوا با دادرس و امثال آن دلالت نمایند مانند برگزاری جلسات رسیدگی، استماع، ادای سوگند و ... به دلیل سکوت قانون تجارت و عدم تخصیص مقررات دادرسی، امکان معادل سازی تشریفات قانونی در محیط الکترونیک وجود ندارد ولی این استدلال با ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک هماهنگ نیست. زیرا حکم مقرر در این ماده صراحتاً همه نوع دلیل الکترونیک از سند گرفته تا سوگند را در بر میگیرد و به لحاظ قاعده فقهی «اذن در شیء اذن در لوازم آن است»؛ اذن قانون گذار به استناد به ادله الکترونیک نیازمند اذن برای ارائه آن به دادگاه نیز می باشد.

از طرف دیگر در حقوق آمریکا اینکه مثلاً برخی از دلایل آنهم در برخی اشکال آنها، امکان تحقق فعلی و یا ارائه در دادگاه را ندارد به دلیل وضع کنونی تجهیزات موجود در این مکان هاست، نه از جهت عدم امکان تحقق و معادل سازی تشریفات. به دیگر سخن عدم امکان ارائه برخی دلایل به خاطر نبود تجهیزاتی برای ارائه آنها به دادگاه می باشد نه ممکن نشدن پیدایش ماهیت حقوقی آنها به لحاظ قانونی.

از آنجا که وکلا و قضات ممکن است تمایل داشته باشند تا نسبت به تصمیمات متفاوتی که در رابطه با موضوعات مشابه اتخاذ شده، مطلع شوند و همچنین با توجه به اینکه طبیعت ادله الکترونیک هیچ حد و مرز فیزیکی را نمی شناسد، بایستی این دیدگاه را اتخاذ کنیم که برای وکلا و قضات، آگاهی از این امر که در رابطه با موضوعات مشابه، سایر وکلا چگونه می اندیشند و سایر قضات چگونه نسبت به دعاوی در سرتاسر دنیا دآوری می کنند، ادله الکترونیک واجد ویژگی های مختص به خود هستند. با این وجود، بایستی بررسی شود که تا چه اندازه اصول و قواعد حقوق ادله نه تنها بایستی نسبت به اسناد سنتی کاغذی اعمال گردد؛ بلکه همچنین می بایستی نسبت به ادله مستند الکترونیک و خودکار نیز اعمال گردد. از این امر با عنوان رویکرد بی طرفی تکنولوژی یاد می گردد. بی طرفی تکنولوژیکی بدین معنی است که هیچ تفاوت بنیادینی در حقوق ادله در رابطه با ادله سنتی و ادله الکترونیک وجود ندارد و هیچ برتری اثباتی نسبت به هیچ نوعی از تکنولوژی یا دستگاه مکانیکی خاص به منظور ارائه ادله در نظر گرفته نمیشود. این رویکرد کمک می کند تا به عنوان مثال درک بهتری از قالب های متفاوتی که یک امضای الکترونیک می تواند در آن باز نمود پیدا کند داشته باشیم. به نظر میرسد در دادرسی های مدنی هردو کشور آمریکا و ایران مشروط به اجازه دادگاه، ادله می تواند از طریق ارتباط ویدیویی یا هر طریق دیگری ارائه گردد. همچنین کنفرانس ویدیویی و تکنولوژی کنفرانس شبکه ای ارائه ادله گواهی خارج از دادگاه را امری ممکن ساخته است.

<sup>۱</sup> Advise 8 , electronic as evidence , public Record office Victorria, advise to Victorian Agencies,



## ۶-۲ صدور و ابلاغ الکترونیکی رأی

ابلاغ اوراق قضایی در فرآیند دادرسی اهمیت بسیار فراوانی با حقوق طرفین دعوا و ثالث و دادرسی مطلوب و منصفانه دارد، به همین دلیل در مقررات مختلف در نظام حقوقی ایران، ابلاغ موردتوجه و چارچوب شکلی و ماهوی آن نیز مورد تأکید و دارای ضمانت اجراهای مختلفی به شکل مستقیم و غیرمستقیم در نظر گرفته شده است اما با این همه نقاط ضعف ابلاغ سنتی و نیاز به تمهید جدید سبب گردید تا قانونگذار ابلاغ الکترونیکی را به دلیل مزایا و آثار متعدد بر فرآیند دادرسی موردتوجه و به شکل نسبی و نه مطلق جایگزین ابلاغ سنتی نماید. از جمله مزایای ابلاغ غیرمکتوب که امروزه به ابلاغ الکترونیک موردستناد و استفاده قرار می‌گیرد، کاهش خطای انسانی توسط خواهان، خوانده و سایر اشخاص دخیل و همچنین مأمور ابلاغ است، کاهش هزینه‌های دادرسی به دلیل هزینه‌های مختلف ابلاغ سنتی و افزایش کیفیت خدمات قضایی به دلیل مشخص بودن زمان ابلاغ و رؤیت، در دسترس بودن عمومی مکانیزم رؤیت اوراق ابلاغی و تسریع در ابلاغ اوراق را می‌توان در کنار آثار متعددی بر ابلاغ زمانبندی شده، ابلاغ مستقیم به طرفین دعوا، کاهش خطای ناشی از اشتباهات مراجع قضایی یا واحد ابلاغ، وضعیت حقوقی ابلاغ به عنوان یک سند با داده پیام مطمئن می‌توان برشمرد که دارای آثار فراوانی از جمله کاهش دادرسی غیابی، افزایش زمان برای طرفین برای فرصت و امکان دفاع، افزایش کیفیت دادرسی به دلیل ابلاغ صحیح و کامل و در دسترس و تعیین خوانده یا خواندگان اصلی دعوا، کاهش سوءاستفاده از ابهامات و نواقص قانون در زمینه ابلاغ را می‌توان از جمله آثار اصلی و کاهش اطاله دادرسی و هزینه‌های دادرسی را از جمله آثار مدنظر قانونگذار دانست. در حقوق آمریکا ابلاغ الکترونیک و پیام تلفنی به معنای خاص جزئی از ابلاغ الکترونیکی هستند که به عنوان یکی از تشریفات دادرسی اما دارای آثار متعدد بر فرآیند دادرسی، باعث می‌گردد تا چارچوب شکلی و ماهوی ابلاغ اوراق قضایی به سمت دادرسی منصفانه سوق پیدا نماید و بتواند سبب تسریع در دادرسی، کاهش تضییع حقوق اشخاص و همچنین ایجاد فرصت کافی برای دفاع را فراهم آورده و بتواند اهداف قانونگذار را به خوبی تعمیم دهد. (یوسفی، ۱۳۹۳، ص ۴۷).

ابلاغ الکترونیکی یکی از موضوعاتی است که به تازگی مورد توجه قانون گذار در کشور ما قرار گرفته و در مصوبات، طرح ها و قوانین مختلف به اشکال مختلف به آن پرداخته شده است. از جمله می توان به مواد ۳۳ و ۵۵ لایحه آیین دادرسی تجاری، ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۵۰ و ۱۳۹ لایحه ی اصلاح قانون دادرسی دادگاهای عمومی و انقلاب در امور مدنی، ماده ۷ آیین نامه ارایه خدمات الکترونیک قضایی، ماده ۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۲ و مواد ۱۸ و ۶۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری اشاره کرد.

قانون آیین دادرسی مدنی ایران در این خصوص ساکت است و در حقوق آمریکا باید به رویه و مقررات در خصوص داوری مراجعه کرد. چون در داوری، تبعیت از تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی الزامی نبوده و همین امر، امکان ابداع یا استفاده از تشریفات سریع و ارزان مثل ابلاغ الکترونیکی را فراهم آورده است. در مورد داوری، اسناد مختلفی در سطح بین المللی وجود دارد که بر کتبی بودن رأی داوری و امضای آن از سوی داوران تصریح دارند. به موجب بند ۱ ماده ۳۰ ق. د. ت. ب، «رأی باید به صورت کتبی باشد و به امضای داور یا داوران برسد».

ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۵۸ تصریح می کند که خواهان شناسایی و اجرای رأی، باید «نسخه مصدق اصل رأی» را ارائه کند. به نظر متخصصان فناوری اطلاعات، پوشه (فایل) الکترونیکی نمی تواند واجد عنوان اصل یا کپی باشد، زیرا همه پوشه ها را می توان در فضای رایانه ای کپی کرد (Electronic Arbitration, ۲۰۰۳: ۵۰).

دیدگاه مذکور را نمی توان به طور مطلق پذیرفت. امروزه روش های مختلف برای تضمین ایمنی داده پیام، ابداع و عملیاتی شده است. چنانکه به موجب بند «ط» ماده ۲ ق. ت. ا، رویه ایمن ۱ «رویه ای است برای تطبیق صحت ثبت «داده پیام» منشأ و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هرگونه خطا یا تغییر در مبادله، محتوا و یا ذخیره سازی «داده پیام» از یک زمان خاص». بند «ح» همان ماده، سیستم اطلاعاتی مطمئن را به شرح زیر تعریف می کند:

<sup>۲</sup>. Duly authenticated original award

«سیستم اطلاعاتی است که : ۱. به نحوی معقول در برابر سوءاستفاده و نفوذ محفوظ باشد؛ ۲. سطح معقولی از قابلیت دسترسی و تصدی صحیح را دارا باشد؛ ۳. به نحوی معقول متناسب با اهمیت کاری که انجام می دهد پیکربندی و سازماندهی شده باشد؛ ۴. موافق با رویه ایمن باشد».

با در نظر گرفتن اصل رفتار یکسان با داده پیام در مقایسه با معادل خارجی (مادی) آن که از جمله در ماده ۸ قانون نمونه ۱۹۹۶ و قسمت اول ماده ۶ ق.ت.ا. کشورمان ذکر شده است، می توان تفسیر منعطفی از ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک ارائه داد. علاوه بر این، از نظر پژوهشگران مشهور دآوری، فلسفه ماده ۵ از الزامی دانستن نسخه اصل و مصدق رأی دآوری، اطمینان نسبت به صحت رأی و هویت داوران صادرکننده آن است (Fouchard, ۱۶۷۵: ۹۷۰). از آنجا که می توان با بهره گرفتن از مدرک الکترونیکی ایمن به این اهداف دست یافت، می توان چنین مدرکی را واجد اوصاف رأی قابل اجرا (مذکور در ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک) دانست.

در ایالات متحده، ماده ۳۳ قانون متحدالشکل دآوری (US Revised Uniform Arbitration Act ۲۰۰۰ August ۲۸ of) تصریح می کند که امضای رأی از سوی داوران می تواند به شیوه الکترونیکی انجام گیرد. به دلیل اینکه می توان از طریق امضای الکترونیکی مطمئن که در مدرک الکترونیکی ایمن به کار گرفته شده، اصالت رأی الکترونیکی و در نتیجه صحت و انتساب آن به داوران امضاکننده را اثبات کرد، هیچ منعی در مسیر صدور، شناسایی و اجرای رأیی که به صورت الکترونیکی صادر شده و نسخه یا پشتیبان کاغذی ندارد، موجود نیست.

ابلاغ رأی به اصحاب دعوا از نظر حقوق ماهوی و شکلی آثاری دارد؛ اول اینکه، به لحاظ ماهوی رأی، حقوقی را حسب مورد برای یکی از طرفین دعوا یا هر دو ایجاد می کند یا اعلام می دارد و دارای اعتبار امر قضاوت شده است. در نتیجه ابلاغ بی کم و کاست آن اهمیت زیادی دارد. به موجب بند ۱ ماده ۲۸ مقررات ۱۹۹۸ اتاق بازرگانی بین المللی، دبیرخانه اتاق موظف شده که «نسخه امضاشده توسط دیوان دآوری» را ابلاغ کند. بند ۵ ماده ۲۶ قواعد دیوان دآوری بین المللی لندن ۲ (۱۹۹۸) مقرر می دارد که باید «کپی مصدق» رأی ابلاغ شود.

آثار شکلی ابلاغ را هم نمی توان نادیده گرفت. در واقع ابلاغ، نقطه شروع مهلت های مختلف است که عدم اقدام در آن مهلت، ذی نفع را از حق اقدام برای همیشه محروم می سازد. برای مثال به موجب ماده ۲۹ قواعد دآوری اتاق بازرگانی بین المللی، مهلت درخواست تصحیح اشتباهات و خطاهای رأی، ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ آن به طرفین است. همین مهلت در بند ۱ ماده ۳۲ ق.د.ت.ب. کشورمان پذیرفته شده است. (صفری، ۱۳۹۴: ۸۷).

امروزه فناوری پیشرفته رمزنگاری و سامانه پست الکترونیکی امن (مطمئن) این امکان را فراهم می سازد که آرای دآوری و سایر مدارک به نحوی که صحت و انتساب آن به مقام صادرکننده (اصل ساز) مورد تردید قرار نگیرد، مبادله و بایگانی شوند. بند «ب» ماده ۲ ق.ت.ا. «اصل ساز» را چنین تعریف می کند: «منشأ اصلی «داده پیام» است که «داده پیام» به وسیله او یا از طرف او تولید یا ارسال می شود اما شامل شخصی که در خصوص «داده پیام» به عنوان واسطه عمل می کند نخواهد شد».

در حال حاضر، در حقوق کشورمان به موجب ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۹۲)، «استفاده از سامانه های (سیستم های) رایانه ای و مخابراتی، از قبیل پیام نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است».

همچنین طبق ماده ۷ آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی، اصل بر ابلاغ الکترونیکی است؛ یعنی ابلاغ به هریک از اصحاب دعوا یا وکلا یا نمایندگان ایشان یا سایر اشخاص دخیل و مرتبط با دعوا به صورت الکترونیکی انجام می گیرد و تنها «در صورت عدم دسترسی به نشانی الکترونیکی و شماره تلفن همراه، ابلاغ و احضار به صورت فیزیکی انجام خواهد شد».

به موجب بند «ح» ماده ۱ آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی ، «سامانه ابلاغ ، سامانه ای الکترونیکی است که بر بستر شبکه قابل دسترسی و استفاده برای طرفین دعوا یا نماینده قانونی آنان ، دفاتر خدمات قضایی ، کارشناسان ، ضابطان قضایی و سایر اشخاص مرتبط جهت ابلاغ اوراق قضایی و نشر آگهی به صورت الکترونیکی است».

## ۷-۱۲ اعتراض الکترونیکی به رأی

در حقوق آمریکا اعتراض به رأی می تواند به صورت الکترونیکی انجام گیرد. در مورد دادرسی های تمام الکترونیکی، مانند رسیدگی به دعوای راجع به نام دامنه ، اگر قانون شکایت از رأی را قبول کرده باشد، اعمال این حق باید به صورت الکترونیکی انجام گیرد.

در دادرسی سنتی، می توان برخی از مراحل شکایت ، مانند ثبت دادخواست (تجدیدنظر، فرجام ، اعتراض شخص ثالث ) و ابلاغ به اصحاب شکایت و بایگانی را به صورت الکترونیکی درآورد. با این روش ، در مصرف کاغذ و نیز هزینه و وقت ، صرفه جویی شایان توجهی صورت می گیرد.

شکایت الکترونیکی از رأی ، تابع همان محدودیت ها و ضوابطی است که در ق.آ.د.م و قوانین و مقررات مرتبط معین شده است . از جمله اینکه ، شاکی باید مهلت شکایت را رعایت کند؛ دادگاه حتما باید «تبادل لوایح» و اصل تناظر را در رابطه طرفین اعمال کند (ماده ۳۴۶ ق.آ.د.م) و اصحاب دعوا باید نشانی معتبر الکترونیکی را برای خود - و حسب مورد، مخاطب - جهت انجام صحیح ابلاغ معرفی کنند.

نکته مهم آن است که چون در مقاطع و مراحل همچون تجدیدنظر و فرجام ، تشکیل جلسه دادرسی الزامی نیست ؛ بخش بیشتری از این رسیدگی ها می تواند به صورت الکترونیکی درآید. حتی با پیش بینی تمهیدات لازم ، می توان رأی صادره را به صورت الکترونیکی به طرفین ابلاغ کرد یا در صورت ارجاع امر به کارشناس ، ابلاغ رونوشت اوراق و مدارک و قرار کارشناسی به وی به صورت کاملا الکترونیکی انجام گیرد. بدیهی است که چنین اقداماتی ، از جمله نیازمند فراهم بودن زمینه ها و زیرساخت های ضروری برای آن است .

## ۳. الکترونیکی شدن دادرسی مدنی در شفاف سازی مدیریت قضایی و سرعت در روند رسیدگی های قضایی ایران و آمریکا

در واقع دادرسی الکترونیک همان دادرسی سنتی ای است که با هدف سرعت بخشی به دادرسیها، به وسیله ابزارهای الکترونیکی و نوین اجرا میگردد. میتوان گفت که دادرسی الکترونیک فرایندی نوین است که میتواند بسیاری از مشکلات روند دادرسی در نظام حقوقی را برطرف سازد و به برقراری عدالت و پاسخ گویی قانونی در کوتاهترین زمان، کمک کند. با وجود تأثیرات مثبت، دادرسی الکترونیک، هنوز در اجرای کامل و کارآمد خود در ایران با خلاءهایی مواجه است. این خلاءها بیشتر مربوط به ضعف زیرساختهای مورد نیاز میباشد، از قبیل؛ نبود امکانات تکنولوژیکی کامل و به روز، پایین بودن سرعت اینترنت، عدم آشنایی کافی به این نوع از دادرسی. به نظر میرسد که با تنظیم و تخصیص بودجه بندی دقیق و صحیح جهت فراهم نمودن امکانات لازم، بالا بردن سرعت اینترنت، بالا بردن آگاهی عمومی از طریق برنامه های اجتماعی، بتوان این کاستیها را جبران نمود. تحقیقات نشان می دهد که علاوه بر لزوم بازنگری اساسی در وضع دولت الکترونیکی و رفع جدی و موثر موانع و محدودیت های آن، تحقق اهداف مربوط به خدمات الکترونیکی قضایی و اهداف اساسی قوه قضاییه، به ترتیب مقرر در قانون اساسی، شناسایی و رفع نارسایی ها و مشکلات موجود قوه قضاییه و دادگستری و بهبود مدیریت قضایی کشور نیز خواهد بود. اقدامات قضایی با استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات در جهت بهبود مدیریت پرونده قضایی است. ظهور فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی و استفاده از ابزارهای جدید در تولید، انتقال و ذخیره اطلاعات، موجب ایجاد نوع جدید دلیل، با ماهیتی متفاوت به نام دلیل الکترونیک شده است.

<sup>۲</sup>Domain name.

صرف نظر از ابلاغ و اخطار که در مورد اجرائیه نیز می تواند به صورت الکترونیکی انجام گیرد، اجرای برخی آرا تنها ممکن است در فضای مجازی متصور باشد و به همین دلیل، فرایند اجرا در چنین مواردی نیز لاجرم، کاملاً الکترونیکی است. برای مثال، هرگاه شخصی در طراحی سایت اینترنتی برای خود، ترکیب رنگ، طرح و شاکله کلی یک تارنمای دیگر را کاملاً کپی و شبیه سازی کرده باشد، یا اینکه با اطلاعات دریافتی از (هو ایز) محرز شود که سایت طراحی شده، صوری است و صرفاً برای فریب اشخاص طراحی شده است، دادگاه می تواند حکم به بستن سایت، یا طراحی مجدد آن به نحوی که شبیه سازی از سایت دیگری نباشد، حکم کند.

برای مثال، برای فریب کارشناسان رسمی دادگستری در ارزیابی ماشین آلات خارجی تولید پارچه، ممکن است خواهانی که ماشین آلات وی دچار حریق شده و درصدد دریافت خسارت از بیمه است، وب سایت صوری (برای فروش ماشین آلات) طراحی کرده و قیمت ماشین آلات را در سایت مذکور بیش از قیمت واقعی اعلام کرده و در مقام راهنمایی، نشانی این سایت را به کارشناس دادگستری ارائه کند.

همین بحث در مورد آرای که در خصوص نام دامنه صادر می شود نیز صادق است. به طور کلی، حقوق اشخاص نسبت به پوشش تجاری، علائم تجاری و نام دامنه در فضای مجازی مورد حمایت قانون است و اگر مورد تعرض قرار گیرد، می توان حکم را علیه متعرض (محکوم علیه) به صورت کاملاً الکترونیکی اجرا کرد.

پوشش تجاری را می توان به کلیه ویژگی های متمایزکننده یک محصول تعریف کرد که ظاهر آن را تشکیل می دهد و شامل شکل، قالب، بسته بندی و حتی نحوه طراحی یک ساختمان می شود. به گونه ای که آن محصول را در نظر مصرف کنندگان از محصولات دیگر متمایز سازد. در کشورهای صنعتی، پوشش تجاری مشمول حمایت هایی است که برای مالکیت فکری مقرر شده است. به عبارت دیگر، پوشش تجاری از اقسام مالکیت فکری است.

#### ۴. شهادت الکترونیکی در مدیریت قضایی و سرعت در روند رسیدگی های مدنی ایران و آمریکا

شهادت اخبار حقی است به ضرر و سود دیگری. با مطالب پیشین مشخص شد که مفهوم دلیل الکترونیکی به شهادت نیز قابل صدق است. اما اشکال ارائه شهادت الکترونیک و اعتبار یا عدم اعتبار این نوع شهادت نیاز به بررسی دارد. مرسوم است که شهادت در دادگاه و توسط گواهانی که از سوی طرفین فراخوانده می شوند و نزد دادرس سوگند می خورند، ارائه گردد. این عمل سبب می گردد که طرف دیگر دعوا فرصت شنیدن اظهارات گواه و جرح آن را داشته باشد و از طرف دیگر دادرس نیز فرصت دیدن گواه و شنیدن اظهارات او و توجه به رفتار و احوال او را داشته باشد هر یک از این ها می تواند بر اعتبار شهادت تاثیر بگذارد. البته در حقوق سنتی شهادت خارج از دادگاه نیز می تواند مصداق یابد (ماده ۲۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی) و نباید فرایند استماع شهادت را از ارکان آن به شمار آورد به عبارت دیگر بایستی اینگونه گفت که فرایند و روش استماع شهادت طریقت دارد و نه موضوعیت و فرقی ندارد که این شهادت با حضور فیزیکی باشد یا مجازی، اما لازم است که اشکال ارائه شهادت مجازی و شرایط اعتبار آن مورد بحث واقع شود. بعد از بررسی روش های ارائه شهادت الکترونیکی بحث مهم اینست که اعتبار چنین شهادتی تا چه اندازه است؟ در خصوص نوار ویدئویی از آیین دادرسی مدنی بر می آید که حضور شاهد برای استماع شهادت وی در دادگاه ضرورت دارد. مواد ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۶ ق. ج و... صریحاً حضور گواه را در دادگاه پیش بینی می کند، بنابراین باید پذیرفت که اعتبار گواهی علی القاعده مستلزم حضور گواه در دادگاه است و در صورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه و هم چنین در مواردی که دادگاه مناسب بداند می تواند گواهی گواه را در منزل یا محل کار یا در

۴. www.whois.net

۵. (Trade Dress)

۶. challenge

۷. Breton.Ibid: p 7

محل دعوا توسط یکی از قضات دادگاه استماع کند. بنابراین با توجه به دقت قانون گذار به مساله حضور گواه در دادگاه، اگر شهادت به صورت کتبی باشد (ماده ۱۲۸۵) یا درون وسایل انتقال دهنده اطلاعات الکترونیک باشد به نظر میرسد نتوان اعتبار اخباری را که اینگونه بیان می شود شهادت دانست، بلکه حداکثر آنچه اتفاق می افتد را می توان اماره به شمار آورد. (محسنی و رضایی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۲).

در ایالت متحده آمریکا با تصویب قانون اصلاح دادخواهی در زندان در سال ۱۹۹۵ گسترش و بکارگیری فناوری را تجربه کرده اند که دادگاه ها را ملزم می کند که از جابجایی زندانیان بین زندانها و دادگاه ها ممانعت کنند، مگر اینکه برای محاکمه لازم باشد. ماده ۱۰ آئین نامه فدرال دادرسی مدنی، در تاریخ ۱ دسامبر ۲۰۰۲، اجازه ارائه شهادت از طریق ویدئو کنفرانس را می دهد. با این وجود رضایت متهم یک ضابطه و معیار برای پذیرش آن است. همچنین دادگاه های فدرال حتی استفاده از فیلم در موارد پیچیده را تشویق می کنند و مشخصات مربوط به استفاده از تجهیزات ویدئویی سازگار، نصب و پاسخ دادن به سوالات را با یک متخصص AV ارائه می دهند. اصل تناظر در حقوق نیز یک اصل واجب است و بایستی فرصت جرح و تناظر برای مشهود علیه و طرف مقابل وجود داشته باشد. در سال ۲۰۰۲، کنفرانس قضایی ایالات متحده تغییر پیشنهادی به قانون ۲۶ آئین نامه فدرال دادرسی مدنی داد که امکان استفاده از شهادت از راه دور در محاکمات فدرال را فراهم می کند به دیوان عالی کشور ارائه کرد؛ ولی در این مورد، با وضعیت موصوف، دادگاه حاضر نشد تغییر پیشنهادی مربوط به شهادت از راه دور را تصویب کند. فناوری ویدئو از طریق کنفرانس (VTC) به شاهد این امکان را می دهد که از هر جای دنیا شهادت دهد. ضمانت داشتن همه متهمان جنایی در حق مقابله با شاهدان علیه آنها، یک عنصر اساسی در دادرسی آمریکا است. این ضمانت، همانطور که در بند "مقابله" اصلاحات ششم در قانون اساسی ایالات متحده آمده است، قید انحصاری حق متهمان در مواجهه با شهود علیه آنها به تنهایی نیست. دیوان عالی فدرال ایالات متحده از مدتها پیش بر این عوامل به عنوان عناصر حیاتی رویارویی تأکید کرده است. با این وجود، دادگاه ها اذعان کرده که شهادت VTC ممکن است بند مقابله یا تناظر را کاملاً برآورده نکند. دادگاه های ایالتی و فدرال، در هر دو محاکمه جنایی و مدنی، در پذیرش این فناوری جدید اختلاف نظر دارند. با این حال، بدون قانونی که بطور خاص شهادت VTC را مجاز یا نفی کند، در تصمیمات فدرال اختلاف نظر وجود دارد. در ایالات متحده قوانین متضادی در پذیرش شهادت الکترونیکی در دادگاه وجود دارد که موافقان و مخالفان زیادی را دارد. دادگاه هایی که از استفاده از شهادت VTC حمایت می کنند، غالباً بر شباهت شهادت VTC و شهادت نامه کتبی تمرکز می کنند. سایر تصمیمات متمرکز بر قابلیت اطمینان، سوءاستفاده از رسانه، کاهش رسمیت در محاکمه مهم و تفاوت روانی معنادار بین صفحه تلویزیون و یک انسان زنده است. در پرونده کرافورد در مقابل واشنگتن سرانجام، پس از ارزیابی قوانین متضاد در مورد استفاده از شهادت VTC در محاکمات فدرال، این نظر یک قاعده را پیشنهاد می کند که به شهادت VTC اجازه می دهد فقط براساس یک مورد خاص که لازم است یک سیاست عمومی مهم باشد، یا با رضایت متهم جواز استفاده از VTC در محاکمات مدنی باشد و در غیر اینصورت قوانین ایالات متحده چنین جوازی را صادر نمی کنند. در حقوق ایران گویا با توجه به سبقه های فقهی موضوع حضور شاهد و اصحاب دعوا و جایگزینی شهادت بر شهادت در موارد تعذر و تعسر این پندار تقویت شود که رویکرد مقنن به پذیرش محدود شهادت الکترونیکی از طریق ویدئو کنفرانس و یا نوار ویدیویی ضبط شده باشد که در لابلای نگارشهای پژوهشی به چشم می خورد.

##### ۵. سازوکار های دادرسی مدنی الکترونیکی در ایران و آمریکا

در فرایند اجرای دادرسی مدنی الکترونیکی، یعنی عملیاتی کردن این دادرسی باید اصول و قواعدی مدنظر قرار گیرد؛ پرداختن به این اصول و قواعد، جزئیات و کارکرد هر کدام از آنها را بیشتر روشن می سازد. مطالعه تطبیقی نشان می دهد که آمریکا بر ماهیت اختیاری دادرسی مدنی الکترونیکی تأکید کرده اند (زرکلام، ۱۳۹۱: ۱۳۴-۱۳۳). در ق.آ.ک (قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی) کشورمان، قانون حق انتخابی برای اصحاب دعوا از حیث انتخاب نوع دادرسی (الکترونیکی یا سنتی) قائل نشده است.

اجباری یا اختیاری بودن دادرسی مدنی الکترونیکی بدین معناست که آیا اصحاب دعوا می توانند نوع دادرسی خود را انتخاب کنند یا اینکه دادگاه رسیدگی کننده تعیین می کند که روال دادرسی اختلافات آنها الکترونیکی یا سنتی باشد؟ در ایالات متحده، سابقا اعتقاد بر حق انتخاب اصحاب دعوا میان دادرسی الکترونیکی یا سنتی بود (مهرافشان، ۱۳۹۰: ۱۲۴-۱۲۳). امروزه با گسترش فناوری اطلاعات، این ایده تقویت می شود که اصحاب دعوا تابع سازوکاری خواهند بود که در دادرسی دولتی، توسط قانون تعیین شده و به طرفین و نظام دادرسی تحمیل می شود. به عبارت دیگر، هرچند اصحاب دعوا در دادرسی های غیردولتی در انتخاب نوع دادرسی حق انتخاب دارند، اما در رسیدگی های دولتی برای اینکه پوشش تجاری مورد حمایت باشد، باید عملیاتی شده و دارای ویژگی متمایزکننده باشد. «عملیاتی» یعنی اینکه پیکربندی ناشی از ترکیب رنگ ها، طرح ها، شکل ها و اجسام باید به نحوی باشد که معادلی برای کلیت آن در خارج وجود نداشته باشد. طوری که مشتری بتواند آن پیکربندی را فقط در کالاهای، خدمات یا فعالیت تجاری دارنده پوشش تجاری تجسم کند. در وصف «تمایز بودن»، پوشش تجاری به علامت تجاری شباهت دارد. به این معنا که مشتریان باید پوشش تجاری خاص را عامل متمایزکننده یک محصول یا فعالیت از سایر موارد همجنس یا هم صنف بدانند. امروزه، حمایت از آرایش (صفحه آرایشی) (تارنماهای اینترنتی، در قالب پوشش تجاری مورد پذیرش قرار گرفته است (ر.ک: السان، ۱۳۹۶: ۱۰۳-۹۹؛ Merges, ۲۰۰۶.p89)

در حقوق ایران، سکوت ق.آ.د.ک (قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی) را باید بر این مبنا تفسیر کرد که هدف و غایت قانون مذکور، توسعه دادرسی مدنی الکترونیکی در حدی نیست که تمام یا بخش عمده ای از فرایند به صورت الکترونیکی انجام گیرد، چراکه در واقع نیز دادگستری به امکاناتی مجهز نیست که زمینه دادرسی تمام الکترونیکی را فراهم سازد. در عین حال، باید توجه داشت که با توجه به لحن و نحوه بیان مواد قانونی راجع به دادرسی الکترونیکی، دستورالعمل ها و مصوبات مرتبط در این خصوص نیز، آمره است، بدین معنا که برای مثال، وقتی به دادگاه ها ابلاغ می شود که از پذیرش دستی (فیزیکی) دادخواست خودداری کرده و شهروندان را به طرح دعوا از طریق دفاتر خدمات قضایی ارشاد کنند، دفاتر شعب دادگاه ها عملا چنین دستورهایی را اجرا می کنند و مردم نیز چاره ای جز تبعیت از این اوامر ندارند.

به لحاظ سخت افزاری و نرم افزاری، برای تحقق دادرسی مدنی الکترونیکی لازم است دادگستری به امکانات و ملزومات مورد نیاز تجهیز شود. مراحل عملیاتی تحقق و اجرای دادرسی مدنی الکترونیکی را می توان در پنج مرحله مختلف خلاصه کرد.

در حقوق آمریکا در مراحل پیشرفته دادرسی الکترونیکی ساختار فیزیکی دادگاه طوری طراحی شده است که امکان نصب امکانات الکترونیک فراهم است و دادگاه طوری طراحی شده است که دستگاه های الکترونیکی به خوبی بتوانند مورد استفاده قرار گیرد، به خصوص از جهت وسعت یا کوچکی اتاق دادگاه، به نحوی که مانیتورها بتوانند حاضران در دادرسی را پوشش دهند. علاوه بر در نظر گرفتن فضای<sup>۸</sup> اتاق و دادگاه که از نظر معماری متناسب است، و امکانات نیز طوری نصب گردیده که تمام زوایا را در نظر دارد.

از دیگر ملزومات دادرسی الکترونیکی تلاش در جهت حفظ و نگهداری می باشد. البته چنانچه فناوری اطلاعات و ارتباطات و تاسیسات به درستی به کار گرفته شده باشند از این جهت نگرانی خاصی وجود ندارد.

نصب تجهیزات و امکانات ضروری، باید با رعایت این امر انجام گیرد که همه اصحاب دعوا و دادرسی به طور برابر امکان بهره مندی از آنها را داشته باشند. برای مثال، زاویه دوربین ها باید به نحوی باشد که تمام زوایای اتاق یا سالن جلسه

<sup>۸</sup>.Court room specific design

<sup>۹</sup>.installation



دادرسی الکترونیکی را پوشش دهد. این امکانات باید در حد ضروری و به نحو عادلانه (مساوی) در تمامی شعب مجاز برای دادرسی مدنی الکترونیکی مستقر شده باشد. (زرکلام، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲).

مدیریت عملکرد دقیق سامانه باید توسط متخصصان فناوری اطلاعات و با اطمینان از اینکه در فرایند رسیدگی، اختلال یا قطعی ایجاد نخواهد شد، انجام گیرد. از جمله پیش شرط های موفقیت در این مرحله، داشتن زیرساخت های مطمئن و ایمن مانند اینترنت پرسرعت و شبکه نفوذناپذیر است.

نه تنها دادرسان، بلکه مدیران دفاتر و کارکنان شعبی که به دادرسی مدنی الکترونیکی اختصاص می یابد، باید آموزش های کافی را در این زمینه دیده باشند. این آموزش باید در حد امکان از دانشگاه ها و دانشکده های حقوق شروع شده و به مرور نهاده شده شود (مهرافشان، ۱۳۹۰: ۹۰).

از طرفی نیروی انسانی متخصص، سخت افزارها و نرم افزارهای به روز و منطبق با استانداردهای جهانی و توجه به نیازها و مقتضیات جدید دادرسی مدنی الکترونیکی است. (Lederer, 2015.p98).

### نتیجه گیری

با وجود تمایل زیادی که در کشورمان برای الکترونیکی کردن دادرسی وجود دارد، چالش های عمده ای بر سر راه این نوع از دادرسی وجود دارد یا حداقل انتظار می رود که وجود داشته باشد. باید توجه داشت که قواعد ماهوی متفاوتی بر دادرسی الکترونیکی حاکم نیست؛ در عین حال، اگر قرار باشد از ارتباطات الکترونیکی برای برگزاری جلسه رسیدگی، استماع شهادت شهود، تبادل لوایح، ابلاغ و... استفاده شود، واضح است که تشریفات (آیین دادرسی) تا حدود زیادی متفاوت خواهد بود. این مقاله به بررسی رسیدگی و استماع الکترونیکی، احراز هویت طرفین و صحت فرایند رسیدگی، اصول تشریفات حاکم بر دادرسی مدنی الکترونیکی، فرایند اعتراض الکترونیکی به رای و حوزه های اثرگذاری فناوری اطلاعات پرداخته و در پایان راهکارهای عملی و اجرایی برای نظام دادرسی کشورمان ارائه می کند.

دستاوردهای سریع، شفاف و کارآمد فناوری های نوین اطلاعات، به قشرهای مختلف اجتماع و زندگی انسانی تحمیل شده اند. پیشرفت هایی که در این زمینه وجود دارد، بدون اینکه از طریق قوانین و مقررات قابل پیشگیری باشد، تنها مدیریت پذیر است. پذیرش عمومی ارتباطات الکترونیکی به طور مستقیم با منطق سرعت، دقت، هزینه کم و شفافیت در روابط اجتماعی ارتباط می یابد. با این پشتوانه های منطقی، تقریباً قانون هیچ کشوری نتوانسته در برابر این پیشرفت ها بایستد و تنها - آن هم تا حد امکان - فناوری را نظام مند کرده و در راستای توسعه پایدار به کار گرفته است.

پیشرفت خیره کننده فناوری اطلاعات در قرن بیست و یکم دگرگونی های بی شماری پدید آورد؛ با گسترش این پدیده روابط اجتماعی روز به روز گسترده تر و مسائل حقوقی نیز ابعاد پیچیده تری به خود می گیرد، با پیچیدگی مسائل حقوقی، فرایند دادرسی و تشریفات اجرای آن نیز در شرف تأثیر پذیری جدی از این نوآوری هاست؛ به همین دلیل کوشش قانونگذاران در سالهای اخیر پیش بینی قوانین گوناگون در پیوند با پدیده های نو ظهور اینترنتی بوده و الکترونیکی شدن دادرسی ها را در پیش گرفته اند. دادرسی الکترونیکی فرایندی بدون زمان است و نقش بسزایی در کاهش هزینه ها دارد. برنامه ریزی منظم، افزایش سرعت در رسیدگی، برقراری ارتباط میان مراجع قضایی با سایر مراجع، ممانعت از طرح دعاوی تکراری از جمله مزایای این نوع رسیدگی هاست. در عین حال وجود این مزایا مانع نیست که استفاده از این روش ها زمینه ساز بروز مشکلاتی نیز باشد، بنابراین آنچه در این بین نقش کاربردی دارد برنامه ریزی و نحوه مدیریت این پدیده است. در سیستم قضایی فعلی ایران به دلیل اطلاع دادرسی حاکم بر آن حل و فصل اختلافات با مانعی جدی مواجه است، عوامل دخیل در دادرسی هر کدام به نحوی در این بین سهیمند، فراتر از این موضوع گاه تخلفاتی آشکار صورت می پذیرد که به حقوق اصحاب دعوا خلل وارد می نماید، اما در عمل امکان اثبات تخلف وجود ندارد. استفاده از شیوه های مدرن دادرسی می تواند از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کند، وجود چنین انگیزه ای مقنن ایرانی را بر آن داشت تا الکترونیکی شدن دادرسی را در دستور کار خود قرار دهد؛ ایجاد دفاتر خدمات قضایی، راه اندازی درگاه خدمات الکترونیکی قضایی و وضع آیین نامه های مربوط نمودی از این اقدامات است؛ اما با



توجه فقدان زیرساخت های لازم و محجور ماندن قانون آیین دادرسی مدنی و سنتی بودن تشریفات دادرسی ما امکان تضییع حقوق شهروندان در این بین وجود دارد. یکی از کشورهای موفق در زمینه دادرسی الکترونیکی، امریکا که با تکیه بر ویژگی انعطاف پذیری نظام حقوقی خود طیف وسیعی از اصلاحات را بوجود آورده و با ارائه ساختاری مدرن به پیشرفت چشمگیری در ارائه خدمات قضایی دست یافته است.

در مورد دادرسی مدنی الکترونیکی و نیز الکترونیکی شدن فرایند دادرسی باید نکات زیر را همواره مدنظر قرار داد:

۱. الکترونیکی شدن دادرسی، قواعد بنیادین حاکم بر رسیدگی مدنی را تغییر نمی دهد، بلکه تنها ابزارهایی در خدمت اصول و قواعد دادرسی برای رسیدگی بهتر و سریع تر است.

۲. در دادرسی های مدنی هردو کشور آمریکا و ایران مشروط به اجازه دادگاه، ادله می تواند از طریق ارتباط ویدیویی یا هر طریق دیگری ارائه گردد. همچنین کنفرانس ویدیویی و تکنولوژی کنفرانس شبکه ای ارائه ادله گواهی خارج از دادگاه را امری ممکن ساخته است.

۳. نظام دادرسی باید به تدریج با ارائه آموزش های کافی به شهروندان یا قشر مشخصی از آنها (برای مثال، وکلا و مشاوران حقوقی) زمینه را برای الکترونیکی کردن مراجعه مردم به دادگستری تا بیشترین حد امکان فراهم سازد. تجربه نشان می دهد که این رویکرد، یکی از بهترین شیوه ها برای کاستن از فساد اداری، تحقق شفافیت و سلامت قضایی است.

۴. در تدوین و اجرای قوانین و مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، باید تا حد امکان از دیوان سالاری و ایجاد نهادها و تشکیلات مدیریتی با کارکردهای موازی یا بدون ضرورت خودداری شود. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی با چنین اشکالی در حوزه نهادسازی برای دادرسی الکترونیکی روبه روست.

۵. قانونگذار باید ابلاغ الکترونیکی را در تمام انواع دادرسی الزامی کند. این اقدام بهتر از ابلاغ کاغذی است که هیچ معیاری برای وصول آن وجود ندارد. به ویژه در مواردی که طرفین اقدام به معرفی شماره تلفن همراه یا آدرس ایمیل به دادگاه می کنند و ابلاغ از این طریق را کافی می دانند؛ اقدام به ابلاغ کاغذی، صرفا اتلاف وقت و هزینه محسوب می شود.

۶. در جنبه های انسانی دادرسی که ذاتا جایگزین الکترونیکی ندارد، الکترونیکی کردن فرایند دادرسی، ممنوع و غیرقانونی است. برای مثال، مواجهه شهود با همدیگر یا اصحاب دعوا در فضای مجازی، عملا یا غیرممکن است یا اثر ویژه چهره به چهره شدن در فضای فیزیکی را ندارد. مقنن باید این حقایق را در قانونگذاری خود لحاظ کند و دادرسان نیز باید بر مبنای چنین واقعیت هایی عمل کنند.

## الف ( فارسی

۱. افتخار جهرمی، گودرز؛ السان، مصطفی (۱۳۹۹). آیین دادرسی مدنی، ج ۲، چ دوم، تهران: میزان.
۲. افخمی، احمد و ترابی، مصطفی (۱۳۹۱). اثر بعدهای کیفیت خدمات الکترونیکی بر رضایتمندی مشتریان در تجارت الکترونیکی C2B (موردکاوی: بیمه اینترنتی ایران و البرز). فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره های ۲۵ و ۲۶.
۳. آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی، مصوبه شماره ۱۰۰/۱۰۱۱۸/۹۰۰ مورخ ۲۲/۰۳/۱۳۹۱ رئیس قوه قضاییه.
۴. آیین نامه شماره ۱۰۰/۲۹۸۴۹/۹۰۰- ۲۴/۰۵/۱۳۹۵ رئیس قوه قضاییه در خصوص نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی.
۵. بنایی، علیرضا. ۱۳۹۱. تشکیل جلسه دادرسی به روش الکترونیکی. پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزشگاه الکترونیکی قم.
۶. زرکلام، ستار (۱۳۹۱). «دادرسی های الکترونیکی؛ ضرورت ها، الزامات و چالش ها»، آموزه های حقوق کیفری، ش ۳، دوره جدید، بهار و تابستان، ص ۱۵۰-۱۲۹.
۷. السان، مصطفی (۱۳۹۵). دادرسی مدنی الکترونیکی، طرح پژوهشی اجرا شده برای پژوهشکده حقوق خصوصی پژوهشگاه قوه قضاییه (منتشر نشده)، اردیبهشت.
۸. السان، مصطفی (۱۳۹۸). حقوق فضای مجازی، چ سیزدهم، تهران: شهر دانش.
۹. صفری، مهری (۱۳۹۴)، «ابلاغ الکترونیکی»، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۰. فریدمن، ریچارد دی (۱۳۸۶)، «شهادت از راه دور»، ترجمه علیرضا قرجه لو، ماهنامه حقوقی کانون سردفتران و دفتریاران، ش ۷۶، دی، ص ۱۲۶-۱۱۴.
۱۱. محسنی حسین، رضایی نژاد هاشم. (۱۳۹۷). دادگستری و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره چهارم، شماره دوم.
۱۲. مهرافشان، علیرضا (۱۳۹۰)، «دادرسی مجازی مفهومی نوین در عدالت قضایی»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۲ [V]: شماره صفحات سوم، ش ۵، پاییز و زمستان.
۱۳. یوسفی، یاسین. (۱۳۹۳). درآمدی بر آثار سازمانی استقرار سیستم مدیریت پرونده قضایی. چاپ اول. تهران: انتشارات جاودانه.

## ب ( خارجی

۱. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD-2000). International
۲. Advise 8 , electronic as evidence , public Record office Victorria, advise to Victorian Agencies, PROA 03/8(may 2003) version 1
۳. Commercial Arbitration: 5.9 Electronic Arbitration, United Nations 2003.
۴. Fouchard P; Gaillard E & Goldman B (1999). On Commercial International Arbitration,
۵. Kluwer Law International.

۶. Lederer, Fredric I. (2015). "The Road to the Virtual Courtroom? A Consideration of
۷. Merges, Robert P; Menell, Peter S & Lemley, Mark A (2006). Intellectual Property in the  
the
۸. New Technological Age, Aspen Law & Business, 4th ed.
۹. Rules of London Court of International Arbitration, At: [www.lcia.org](http://www.lcia.org)
۱۰. Today's – and Tomorrow's – High Technology Courtrooms", Faculty Publications,  
Paper At: <http://scholarship.law.wm.edu/facpubs/212> pp. 119-142.
۱۱. US Revised Uniform Arbitration Act of 28 August.